

وہان بے

تسامح یا تعصب



ALI BAKHTI

ترجمہ سیروس آرین پور
چاپ چہارم



اشتفان تسوايگ

سرشناسه	: تسوابگ ، اشفان ، ۱۸۸۱-۱۹۴۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	: وجدان بیدار : (کاستلیو و کالون) / اشفان تسوابگ ؛ ترجمه سیروس آرین پور
مشخصات نشر	: تهران : نشر فرزانه روز ، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص. مصور ، عکس.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۳۵۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی : Castellio gegen calvin
یادداشت	: این کتاب قبلاً تحت عنوان "کالون و قیام کاستلیون" با ترجمه آرین پور توسط نشر فرزانه روز منتشر شده است.
یادداشت	: چاپ سوم
عنوان دیگر	: کالون و قیام کاستلیون.
موضوع	: کالون ، ژان ، ۱۵۰۹ - ۱۵۶۴ م.
موضوع	: Calvin, Jean
موضوع	: کاستلیو ، سباستین ، ۱۵۱۵-۱۵۶۳ م.
موضوع	: Castellion, Sebastien
موضوع	: دین سالاری مسیحی
شناسه افزوده	: آرین پور ، سیروس ، ۱۳۱۷ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۳۵۳ / ۲۸۴۹۴۲۴ BX
رده بندی دیویی	: ۲۸۴/۲۹۴۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۸۶۲۲۶



وجدان بیدار (کاستلیو و کالون)

اشفان تسوابگ

ترجمه سیروس آرین پور

چاپ اول : ۱۳۷۶

چاپ چهارم : ۱۳۹۴ ؛ تیراژ : ۱۵۰۰ نسخه ؛ قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ : مجتبی مقدم ؛ طراح جلد : علی بخشی

حروف نگاری : هما ؛ لیتوگرافی : ارضوان

چاپ : شمشاد ؛ صحافی : تاجیک

حق چاپ و نشر محفوظ است.

میدان ونک ، خیابان گاندی شمالی ، پلاک ۹ ، واحد ۱۰

تلفکس : ۸۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی : ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail : info @ farzanpublishers. Com

www. Farzanpublishers. com

ISBN : 978-964-321-353-4

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۳۵۳-۴

فهرست مطالب

هفت	♦	یادداشت ناشر	♦	۱
۱	♦	پیشگفتار	♦	۱۷
۱۷	♦	در به قدرت رسیدن کالون	♦	۴۱
۴۱	♦	آداب ایمان	♦	۷۱
۷۱	♦	کاستلیو پا پیش می‌گذارد	♦	۹۷
۹۷	♦	ماجرای سروه	♦	۱۱۹
۱۱۹	♦	سروه به قتل می‌رسد	♦	۱۴۵
۱۴۵	♦	مانیفست مداراگری	♦	۱۷۵
۱۷۵	♦	وجدان در برابر قهر قدمی افرازد	♦	۱۹۹
۱۹۹	♦	قهر وجدان را از پا درمی‌آورد	♦	۲۳۹
۲۳۹	♦	قطب‌ها به هم می‌رسند	♦	۲۵۳
۲۵۳	♦	سپاس	♦	

یادداشت ناشر

کتاب وجدان بیدار سرگذشت زندگانی یکی از مردان گرانمایه سده شانزدهم میلادی است که ارج و قدرش حتی تا به امروز نشناخته مانده است. او در آن عصر ظلمت، در بحبوحه جنبش اصلاح دینی، علیه دنیاپرستی پاپها و سلطنت ظالمانه شان صدای خود را بلند می‌کند و با ایمان آهنین خواستار اجرای تعالیم واقعی مسیح می‌شود و به دفاع از ارزشهای جاودانه الهی می‌پردازد. نام او را حتی روشنفکران غربی نیز نشنیده‌اند و نمی‌شناسند. نام او «سیاستین کاستلیو» است و توماس مان نویسنده آلمانی پس از خواندن این کتاب درباره او به اشتفان تسوایگ می‌نویسد: «من درباره کاستلیو هیچ نمی‌دانستم، و از شما به خاطر آشنا کردنم با او سپاسگزارم. با او، من دوست تازه‌ای در اعماق تاریخ خود یافته‌ام.» (نامه مان در صفحه بعد درج شده است).

اشتفان تسوایگ، به‌روایتی، پس از گوته پرخواننده‌ترین نویسنده آلمانی زبان است. وی اتریشی است. اتریش با همه کوچکی کشوری است که در دوران اخیر نام‌آوران بزرگی در قلمرو هنر و اندیشه و علم به جهان عرضه کرده است. اشتفان تسوایگ یکی از همانهاست. وی در سال ۱۸۸۱ میلادی در وین زاده شد. آنجا به‌دیرستان رفت و از دانشگاه وین درجه دکترا گرفت. آثارش مجموعه‌ای وسیع را از رمان، نمایشنامه، مقالات، شعر، نقد، و پژوهشهای تاریخی در بر می‌گیرد. بیشتر آثار او مضمونی عمومی و جهانشمول دارند. وی در مقام یک «اروپایی واقعی» مرزهای ساختگی را به‌رسمیت نمی‌شناخت و بین انسانها، جز تفاوت‌های معنوی و فرهنگی، تفاوتی قائل نبود.

دو جنگ جهانی بر او و آرمانهایش تأثیری ویرانگر داشتند. در سالهای جنگ اول، یعنی از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، بی‌آنکه کاری از دستش برآید به‌سویس رفت و آنجا پناه جست. در سال ۱۹۳۹، با آغاز شدن جنگ جهانی دوم، گریز از واقعیت دیگر ممکن

نمود و با قلبی شکسته و اندوهی گران از نامردمیهایی که به چشم می‌دید، نخست به انگلستان و سپس به برزیل گریخت و در آنجا رشته‌ی زندگیش را به دست خود گسست. با بالا گرفتن اندیشه «اروپای واحد»، آثار اشتفان تسوایگ — «آن اروپایی واقعی» — دیگر بار در مرکز توجه و علاقه بسیار قرار گرفته است.

نامه توماس مان به اشتفان تسوایگ

آقای اشتفان تسوایگ ارجمند و عزیزم

این چنین مشتاقانه، و این چنین یکسره مسحور موضوع و مجذوب ساخت و پرداخت آن؛ مدتها بود مثل این کاستلیوی شما کتابی نخوانده بودم. غوغایی است این کتاب، تکان‌دهنده است و شوربرانگیز، گردهم آورنده همه چیزهای دوست‌داشتنی و نفرت‌انگیز روزگار ماست در نمودگاری تاریخی، که به ما می‌آموزاند: مسئله پیوسته‌مانی است که همیشه تاریخ بوده است. این هم غم‌انگیز است و هم تسلا بخش. من از کاستلیو هیچ نمی‌دانستم، برآستی از آشنایی با وی خوشوقتم و با او دوست تازه‌ای برای خود در اعماق تاریخ یافته‌ام. این دوستی را مدیون کتاب شما هستم و خود شما، تشکر مرا بپذیرید، با سلام و آرزوی نیکبختی از سوی خود و خانواده‌ام.

توماس مان

۳۰ مه ۱۹۳۶

ژان کالون (۱۵۰۹—۱۵۶۴)، متأله پروتستان فرانسوی در دوران رفرماسیون (اصلاح دینی) بود که مذهب کالونی از او و افکار و تعالیمش پیدایش یافت. کالون حدود ۱۰ سال پیش از جداشدن لوتر از کلیسای کاتولیک به دنیا آمد. در دانشگاه‌های پاریس و اورلئان تحصیل کرد و عالم‌الهیات و حقوق شد. وی، بر اثر یک «تحول درونی ناگهانی» (حدود سال ۱۵۳۳)، متوجه آیین پروتستان شد و از کلیسای کاتولیک برید. و چون در آن زمان پروتستانها تحت تعقیب و آزار بودند، ناچار بود از شهری به شهر دیگر برود. بعد از سال ۱۵۳۴، نقش رهبری را در میان هواخواهان آیین پروتستان به دست آورد.

کالون در شهر بال کتاب مشهور مبادی دین مسیحی را انتشار داد و در حدود

۲۸ سالگی گذارش به ژنو افتاد، و جز در سالهای ۱۵۳۸-۱۵۴۱ که از ژنو تبعید شد، بقیه عمرش را در آنجا گذراند.

با حضور او، ژنو مرکز آیین پروتستان شد. کالون می‌خواست ژنو را به صورت «کشوری کامل» که حکومتش در دست اولیای دین باشد درآورد. همه مردم را، با تهدید به اخراج و نفی بلد، واداشت که به «اعترافنامه به ایمان» گردن نهند و نظامی سخت و خشن بر شهر برقرار کرد. عاقبت شورشی برپا شد و او و دستیارش، گیوم فارل، از ژنو اخراج شدند (۱۵۳۸)، اما چون در غیابش اوضاع شهر آشفته شد، مردم ناچار او را دوباره به ژنو دعوت کردند (۱۵۴۱).

کالون به سازمان دادن قوانین شهر، ایجاد مدارس، رایزنی در مسائل سیاسی، و موعظه ادامه داد و به تعقیب سخت مخالفان خود پرداخت. ماجرای سوزاندن بیژوه، که در کتاب حاضر می‌خوانید، به دنبال محاکمه‌ای که کالون ترتیب داد اتفاق افتاد و لکنه آن بر دامان کالون نشسته است.

30book

PROMPTE

ET SINCERE ·



IOHANNES · CALVINVS ·

ANNO · ÆTATIS · ۵۳ ·
· B ·

کالون در سن ۵۳ سالگی



SEBASTIANUS CASTELLIO
Græc. litterar. in Academ. Basil.
Prof. Publ.

Nat. Anno 1515.

Denat. 25. 67. d. 27. Dec.



«آدمکشی، هرگز!»

دفاع کردن از مکتبی نیست، آدم کشتن است و بس. چه رساست این سخن، در راستی و روشنی نامیراست این سخن و انسانی‌ترین کلام‌هاست این سخن. با این یک جمله که گویی از پولاد سخت ساخته شده، سباستین کاستلیو تا ابد روزگار، حکم همه پیگردهای عقیدتی و جهان‌نگرانه را بر زبانش رانده است. هر دستاویزی که پیش آورده شود و هر بهانه‌ای که تراشیده شود، خواه منطقی و اخلاقی، خواه ملی و دینی، تا نابودکردن انسانی را پذیرفتنی بنمایاند نمی‌تواند. اویی را تیرنه کند که به آن دست یازیده، یا آن را فرمان داده است.

